



دانشگاه سام نور

اسطوره و هنر

(کارشناسی ارشد پژوهش هنر)

دکتر مهتاب مبینی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار..... یازده

فصل اول. اسطوره، معنا..... ۱

هدف کلی..... ۱

هدف‌های یادگیری..... ۱

مقدمه..... ۱

۱-۱ تعریف اسطوره..... ۲

۲-۱ زمان و مکان در اسطوره..... ۶

۳-۱ کارکرد اسطوره..... ۷

خلاصه فصل اول..... ۹

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول..... ۱۰

فصل دوم. اساطیر بین‌النهرین..... ۱۳

هدف کلی..... ۱۳

هدف‌های یادگیری..... ۱۳

مقدمه..... ۱۳

۱-۲ اسطوره آفرینش..... ۱۴

۲-۲ ایزدان برتر..... ۱۵

۳-۲ ایزدان جهان مردگان..... ۱۹

۴-۲ گیلگمش..... ۲۰

۵-۲ سوریه و فلسطین..... ۲۲

۶-۲ حوریان و هیتیان..... ۲۵

۷-۲ فنیقی‌ها و کارتاژی‌ها..... ۲۹

۳۳	 خلاصه فصل دوم
۳۴	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۳۷	 فصل سوم. اساطیر مصر
۳۷	 هدف کلی
۳۷	 هدف‌های یادگیری
۳۷	 مقدمه
۳۹	 ۱-۳ اسطوره‌های آفرینش
۳۹	 ۳-۱-۱ اسطوره آفرینش هلیوپلیس
۴۰	 ۳-۱-۲ اسطوره آفرینش هرموپلیس
۴۱	 ۳-۱-۳ اسطوره آفرینش ممفیس
۴۱	 ۳-۱-۴ اسطوره آفرینش الفاتین
۴۲	 ۳-۲ ایزدان برتر
۵۵	 ۳-۳ حیات پس از مرگ
۵۷	 ۳-۴ مفهوم ثنویت
۵۸	 ۳-۵ انقلاب مذهبی آخناتن
۶۰	 خلاصه فصل سوم
۶۲	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۶۵	 فصل چهارم. اساطیر ایران
۶۵	 هدف کلی
۶۵	 هدف‌های یادگیری
۶۵	 مقدمه
۶۷	 ۴-۱ آفرینش
۶۷	 ۴-۲ ایزدان باستانی
۶۷	 ۴-۲-۱ اهورامزدا
۶۸	 ۴-۲-۲ مهر
۷۳	 ۴-۲-۳ آناهیتا
۷۷	 ۴-۲-۴ امشاسپندان
۷۹	 ۴-۲-۵ دیوان مقابل امشاسپندان
۸۰	 ۴-۲-۶ زروان
۸۴	 ۴-۲-۷ ایزدان کهنتر
۸۴	 ۴-۲-۷-۱ سروش
۸۴	 ۴-۲-۷-۲ ورث‌رغنه (بهرام)
۸۶	 ۴-۲-۷-۳ ویو (وای)
۸۹	 ۴-۲-۷-۴ تیشتَر

۹۱	 ۴-۲-۵-۵ اہم نپات
۹۴	 ۴-۲-۶-۶ ہوم
۹۶	 ۴-۲-۷-۷ رشن
۹۶	 ۴-۲-۸-۸ قہرمان ایزدی
۹۷	 ۴-۳-۳-۳ ثنویت
۹۸	 ۴-۴-۴-۴ زندگی پس از مرگ
۹۹	 ۴-۵-۵-۵ آیین مانوی
۹۹	 خلاصہ فصل چہارم
۱۰۲	 خودآزمایی چہارگزینہ ای فصل چہارم
۱۰۵	 فصل پنجم. اساطیر یونان
۱۰۵	 ہدف کلی
۱۰۵	 ہدف های یادگیری
۱۰۵	 مقدمہ
۱۰۷	 ۵-۱ ایزدان بزرگ
۱۰۷	 ۵-۱-۱ زئوس
۱۰۸	 ۵-۱-۲ پوزئیدون
۱۱۰	 ۵-۱-۳ آپولو
۱۱۰	 ۵-۱-۴ آتنا
۱۱۱	 ۵-۱-۵ آرتمیس
۱۱۱	 ۵-۱-۶ آفرودیت
۱۱۲	 ۵-۱-۷ دمتر
۱۱۲	 ۵-۱-۸ آرس
۱۱۲	 ۵-۱-۹ ہرا
۱۱۳	 ۵-۱-۱۰ ہرمس
۱۱۴	 ۵-۱-۱۱ ہفائستوس
۱۱۵	 ۵-۱-۱۲ دیونیزوس
۱۱۶	 ۵-۱-۱۳ ہادس
۱۱۷	 ۵-۲ قہرمانان و ایزدان کھتر
۱۱۷	 ۵-۲-۱ آشیل
۱۱۸	 ۵-۲-۲ اروس
۱۱۸	 ۵-۲-۳ اورفہ
۱۱۹	 ۵-۲-۴ شارون
۱۲۰	 ۵-۳ موجودات اساطیری
۱۲۰	 ۵-۳-۱ آمازون ہا
۱۲۰	 ۵-۳-۲ سانتورہا

۱۲۱	 ۳-۳-۵ هارپی‌ها
۱۲۱	 ۴-۳-۵ موزها
۱۲۲	 ۵-۳-۵ ساتیرها
۱۲۲	 ۶-۳-۵ پریان
۱۲۲	 ۶-۳-۵ سیرسه
۱۲۲	 خلاصه فصل پنجم
۱۲۵	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۲۷	 فصل ششم. اساطیر رم و سلت
۱۲۷	 هدف کلی
۱۲۷	 هدف‌های یادگیری
۱۲۷	 مقدمه
۱۲۹	 ۱-۶ ایزدان بزرگ
۱۲۹	 ۱-۱-۶ ژانوس
۱۳۱	 ۲-۱-۶ ژوپیتر
۱۳۳	 ۳-۱-۶ مارس
۱۳۴	 ۴-۱-۶ مرکور
۱۳۴	 ۵-۱-۶ ساتورن
۱۳۶	 ۶-۱-۶ پلوتون
۱۳۶	 ۷-۱-۶ ونوس
۱۳۷	 ۸-۱-۶ ولکان
۱۳۸	 ۹-۱-۶ وستا
۱۳۹	 ۲-۶ قوم سلت
۱۴۰	 ۱-۲-۶ اساطیر قوم سلت
۱۴۳	 خلاصه فصل ششم
۱۴۶	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۴۹	 فصل هفتم. اساطیر خاور دور (هند، چین، ژاپن)
۱۴۹	 هدف کلی
۱۴۹	 هدف‌های یادگیری
۱۴۹	 مقدمه
۱۵۱	 ۱-۷ اساطیر هند
۱۵۱	 ۱-۱-۷ ایزدان ودایی هند
۱۵۱	 ۱-۱-۷ دیاووس
۱۵۲	 ۲-۱-۷ وارونا
۱۵۴	 ۳-۱-۷ ایندرا

۱۵۷	 ۴-۱-۷ آگنی
۱۶۰	 ۵-۱-۷ رودرا
۱۶۳	 ۶-۱-۷ ویشنو
۱۶۵	 ۷-۱-۷ برهما
۱۶۶	 ۸-۱-۷ شیوا
۱۶۷	 ۹-۱-۷ سرسوتی
۱۶۸	 ۱۰-۱-۷ دوی یا مهادوی
۱۶۸	 ۱۱-۱-۷ ایزدان دیگر
۱۷۰	 ۲-۷ اساطیر چین
۱۷۱	 ۱-۲-۷ اعتقادات سلسله شانگ
۱۷۳	 ۲-۲-۷ اعتقادات سلسله جو
۱۷۴	 ۳-۷ آفرینش جهان
۱۷۸	 ۴-۷ اساطیر ژاپن
۱۷۹	 ۵-۷ اسطوره‌های آفرینش و ایزدان آن
۱۷۹	 ۶-۷ دیگر ایزدان
۱۸۳	 خلاصه فصل هفتم
۱۸۵	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۸۷	 فصل هشتم. اساطیر آفریقا، آمریکای شمالی و مرکزی
۱۸۷	 هدف کلی
۱۸۷	 هدف‌های یادگیری
۱۸۷	 مقدمه
۱۸۸	 ۱-۸ اساطیر آفریقا
۱۹۰	 ۱-۱-۸ اعتقادات قبایل کنگو
۱۹۱	 ۲-۱-۸ اعتقادات زولوها
۱۹۲	 ۳-۱-۸ اعتقادات نیلوت‌ها
۱۹۳	 ۴-۱-۸ اعتقادات آشانتی‌ها
۱۹۴	 ۲-۸ ایزدان و حیوانات
۱۹۵	 ۳-۸ مرگ
۱۹۶	 ۴-۸ اساطیر آمریکای شمالی (سرخپوستان)
۲۰۰	 ۵-۸ آمریکای مرکزی
۲۰۲	 ۱-۵-۸ اساطیر اولمک‌ها
۲۰۳	 ۲-۵-۸ ایزدان مایا
۲۰۷	 ۳-۵-۸ اساطیر آزتک‌ها
۲۱۲	 خلاصه فصل هشتم
۲۱۴	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم

فصل نهم. اساطیر اروپا.....	۲۱۷
هدف کلی.....	۲۱۷
هدف‌های یادگیری.....	۲۱۷
مقدمه.....	۲۱۷
۱-۹ اساطیر اسکاندیناوی.....	۲۱۸
۲-۹ پایان جهان نزد اقوام اسکاندیناوی.....	۲۲۲
۳-۹ اساطیر فنلاند.....	۲۲۲
۴-۹ اساطیر ژرمنی و اسلاو.....	۲۲۴
خلاصه فصل نهم.....	۲۲۶
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم.....	۲۲۷
فصل دهم. اساطیر اقیانوسیه و اسکیموها.....	۲۲۹
هدف کلی.....	۲۲۹
هدف‌های یادگیری.....	۲۲۹
مقدمه.....	۲۲۹
۱-۱۰ باورهای مردم استرالیا.....	۲۳۰
۲-۱۰ اساطیر اسکیموها.....	۲۳۳
خلاصه فصل دهم.....	۲۳۵
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم.....	۲۳۶
پاسخنامه.....	۲۳۷
منابع.....	۲۳۹

پیشگفتار

از مهم‌ترین عواملی که باعث پیشرفت و تحول ملت‌ها می‌شود، شناخت ریشه‌های فرهنگی و اساطیری در آثار هنری تمدن‌هاست. اساطیر در تمدن‌های آغازین، حاوی اعتقادات بشرنده و آن را در روایات و مراسم آیینی و هنر انعکاس می‌دهند. پژوهش در زمینه اساطیر ملل مختلف سبب آگاهی به مراحل پیشرفت بشر و سیر تحول اعتقادات و باورهای آن‌ها می‌شود اما یکی از مهم‌ترین بسترهای شناخت اساطیر، آثار هنری به جای مانده از تمدن‌هاست. ارتباط هنر و اسطوره به صورتی است که هنر را زبان بیان اسطوره‌ها پیش از اختراع خط دانسته‌اند. روایات اساطیری گاه در قالب آثار هنری متجلی می‌شود و هنر عصر باستان همانند اساطیر، زبانی نمادین دارند. بسیاری از ایزدان اساطیری با نمایان شدن در آثار هنری تمدن‌ها شناخته شده‌اند و هنر زبانی تصویری در جهت شناخت باورها و آداب و رسوم تمدن‌ها است.

در این پژوهش در فصل اول به بررسی معنای اسطوره پرداخته می‌شود. در فصل دوم اساطیر بین‌النهرین و ایزدان آن مورد مطالعه قرار می‌گیرند. فصل سوم اساطیر و ایزدان مصر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در فصل چهار اساطیر ایران و ایزدان برتر و کهنتر و کارکرد آن‌ها مورد پژوهش قرار می‌گیرد. در فصل پنجم اساطیر یونان و ایزدان بزرگ و قهرمانان و ایزدان کهنتر بیان می‌شود. فصل ششم اساطیر رم و سلت و در فصل هفتم اساطیر خاور دور شامل هندو چین و ژاپن به‌ویژه اساطیر هند که ارتباط نزدیکی با اساطیر ایران دارد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. فصول دیگر که شامل فصل هشت، نه و ده است به اساطیر سرزمین‌های آفریقا، آمریکای شمالی و مرکزی و اروپا و سپس اساطیر اقیانوسیه و اسکیموها می‌پردازد.

فصل اول

اسطوره، معنا

هدف کلی

آشنایی دانشجو با مفهوم اسطوره، زمان و مکان در اسطوره، کارکردهای اسطوره و آشنایی با انواع اسطوره.

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. مفهوم اسطوره و زمان و مکان در اسطوره را دریابد.
۲. با انواع اسطوره آشنایی پیدا کند.
۳. با کارکردهای اسطوره آشنایی پیدا کند.

مقدمه

شناخت اسطوره و ارتباط آن با هنر در تمدن‌های مختلف راهی برای آشنایی بیشتر با فرهنگ، آیین‌ها و سنت‌های سرزمین‌هاست. اسطوره ساختار واقعیت و وجوه چندگانه‌بودن در جهان را آشکار می‌کند. به همین دلیل الگوی سرمشق رفتار انسانی است. اسطوره نزد انسان کهن بیانگر حقیقت مطلق است، زیرا تاریخ مقدسی را بازگو می‌کند؛ یعنی الهامی ورا انسانی را که در طلوع زمان بزرگ، در زمان مقدس آغازین روی داده است. اسطوره، واقعی و مقدس است و به همین سبب سرمشق و در نتیجه تکرارپذیر می‌شود. نکته دیگری که باعث جاذبه اسطوره می‌شود، کنجکاوی ما نسبت به

چگونگی آغاز پیدایش جهان و موجودات است. به‌طور کلی رموز و نشانه‌های باستانی هر قوم و ملتی را اسطوره آن قوم و ملت می‌نامند.

۱-۱ تعریف اسطوره

واژه اسطوره در دیدگاه‌های گوناگون، از تعاریف و تعابیر متعددی برخوردار است. اسطوره در زبان فارسی برابر واژه میت^۱ است. واژه میت که در همه زبان‌های اروپایی یافت می‌شود از لغت یونانی به معنای «گفتار، نطق و کلام» گرفته شده است (استروس، ۱۳۷۷، ۱).

در بیان مفهوم میت گفته شده: مقصود از میت‌ها و اساطیر هر قوم، پدیده‌ها و حقایق تلخ و شیرین زندگی آن قوم است که با گذشت زمان در هاله‌ای از افسانه‌ها، داستان‌ها و خیال‌پردازی‌ها پنهان شده و با همین هاله‌های رنگین به دست ما رسیده است؛ اما اسطوره فزون بر این تعریف رایج و شایع، تعریف دقیق‌تری هم دارد که چنین است: اسطوره همیشه به هر شکل و صورتی که طرح شده باشد متضمن روایت یک «خلقت» است؛ یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید. آدم‌های اسطوره، موجودات مافوق طبیعی‌اند و خاصه به‌خاطر کارهایی که در آغاز آفرینش انجام داده‌اند، شناخته شده و شهرت یافته‌اند. اساطیر، کار خلاق این موجودات مافوق طبیعی را باز می‌نمایند و اهمیت اقدامات و اعمالشان را عیان می‌سازند. این تعریف حاوی این نتیجه‌گیری است که از آنجا که اسطوره‌ها اعمال یا شاهکارهای موجودات مافوق طبیعی و تجلی نیروهای مینوی آن‌ها را شرح می‌دهد، خود سرمشق و الگوی همه کارها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی از قبیل تغذیه، تولید و... می‌شود؛ بنابراین مهم‌ترین کارکرد اسطوره از دیدگاه انسان باستانی مشخص می‌شود. او سرمشق‌های نمونه‌وار برای زندگی روزمره را در اساطیر می‌جوید (معین، ۱۳۸۱، ۵۵).

درواقع اسطوره تاریخ مقدسی است که از راز آفرینش حکایت می‌کند و منشأ ازلی هر آیین، هر پندار و کرداری است که در زمان آغاز اساطیری، یک‌بار برای همیشه، به وقوع پیوسته و از آن پس به صورت «نمونه» در آمده است، یعنی نمونه‌ای که خط و

مشی انسان‌ها و مراسم آیینی و عبادی آن‌ها را تنظیم می‌کند و به آن‌ها اعتبار می‌بخشد (شایگان، ۱۳۸۰، ۱۰۳).

اسطوره ساختار واقعیت و وجوه چندگانه بودن در جهان را آشکار می‌کند. به همین دلیل الگوی سرمشق رفتار انسانی است و داستان‌های حقیقی را فاش می‌کند و با واقعیت‌ها سروکار دارد. اسطوره بیانگر حقیقت مطلق است، زیرا تاریخ مقدسی را بازگو می‌کند؛ یعنی الهامی ورا انسانی را که در طلوع زمان بزرگ، در زمان مقدس آغازین روی داده است. اسطوره، واقعی و مقدس است و به همین سبب سرمشق و در نتیجه تکرارپذیر می‌شود، زیرا مانند الگو، عمل می‌کند و با همین استدلال توجیهی برای تمامی کردارهای انسان به‌شمار می‌رود. انسان جامعه باستانی با تقلید از کردارهای سرمشق گونه خدا یا قهرمانی اسطوره‌ای یا تنها با بازگویی ماجراجویی‌های آنان، خود را از زمان فانی دور می‌کند و به شیوه‌ای جادویی، وارد زمان بزرگ و زمان مقدس می‌شود (الیاده، ۱۳۷۵؛ ۱۶، ۱۷، ۲۳).

اسطوره‌ها تنها دسته‌ای از فهرست و قوانین رفتاری نیستند. آن‌ها بیشتر به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بحران‌های زیستی مانند تولد، بیماری و مرگ بازمی‌گردند؛ و همچنین به مسائل مربوط به آب‌وهوا یا دگرگونی‌های بوم‌شناختی مرتبط می‌شوند که همیشه شامل یک بازتولید ساختاری از روابط اجتماعی با امکان درگیری و بی‌نظمی است (ترند، ۱۳۸۱، ۷۱).

اسطوره روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به‌طور کلی جهان شناختی که یک قوم به‌منظور تفسیر خود از هستی به‌کار می‌بندد. اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده است و به‌گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد و یا از میان خواهد رفت. درنهایت نیز اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی، کاوشگر هستی است. به دیگر سخن اسطوره بینشی شهودی است. بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آن‌ها از جهان که به گونه اسطوره‌ای جلوه می‌یافت و هرچند که در ردیف حماسه، افسانه و قصه‌های پریان قرار می‌گیرد، اما با آن‌ها متفاوت است. اسطوره‌ها به گونه آیین‌ها و شعایر متبلور می‌شوند. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌شود و سپس در زمان‌های متأخرتر به گونه ادیان شکل می‌گیرد؛ بنابراین اسطوره به یک عبارت، دین و دانش انسان نخستین و داشته‌های معنوی اوست، دانشی که بیشتر جنبه شهودی و نمادین دارد و از قوانین علمی ادوار بعد به دور است.

اسطوره، بنیه دینی و فلسفی دارد و فلسفی بودنش نه به معنای امروزی‌اش، بلکه تنها استدلالی تمثیلی از جهان پیرامون دارد. روایت اساطیری می‌تواند دربارهٔ آفرینش کیهان، طبیعت، انسان یا دربارهٔ ویران شدن نیروهای اهریمن باشد. گاه سرچشمهٔ مرگ را توجیه می‌کند و گاه سرنوشت ایزدان و پهلوانان را رقم می‌زند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷؛ ۱۳).

نکته دیگری که باعث جاذبه اسطوره می‌شود، کنجکاوی ما نسبت به چگونگی آغاز پیدایش جهان و موجودات است. «سرآغازها همه در پردهٔ ابهام‌اند؛ بدین معنی که یا کوچک‌اند و جلب‌توجه نمی‌کنند و از این‌رو به حس درنمی‌آیند، یا از نظر پنهان می‌مانند.» (گمپرتس، ۱۳۷۵، ۱۹) اسطوره معمولاً به این سرآغازهای پیچیده و پر ابهام می‌پردازد. «اما درواقع روایتگر اسطوره‌ها با باز سرودن قصه‌های اسطوره‌ای، نه‌تنها وقایع نهفته در دل اساطیر را زنده می‌کند، بلکه خویشتن را در عرصهٔ رویدادهای ازلی بازمی‌یابد و مبدأ هستی را در درون خویش بار دیگر شکوفا می‌سازد.

در حقیقت، اسطوره همان تاریخ مقدس و مینوی است و آغاز رویدادهای بزرگ ازلی، آغاز کیهان، آغاز انسان، آغاز زندگی و مرگ، آغاز پیدایش انواع موجودات زنده، آغاز کشاورزی، آغاز آتش، آغاز آیین و نظایر آن را حکایت می‌کند.» (شایگان، ۱۳۷۱، ۱۰۵).

از سوی دیگر پرداختن به اسطوره، یکی از نخستین کوشش‌های آدمی برای غلبه بر آشوب و فهم نظم در برابر لجام‌گسیختگی و ادراک قانون در مقابل طبیعت و نیروهای سرکش طبیعی است. «انسان ابتدایی به‌آسانی نمی‌توانست بپذیرد که حکومت نظم در جهان، واقعیتهای ازلی است. وقتی او می‌دید که قوی‌ترین عوامل طبیعی، تمامی نیروی خود را به‌نسبت به‌ندرت به‌کار می‌اندازند و زلزله و توفان دریا و فعالیت کوه‌های آتش‌فشان فقط گاه‌به‌گاه و برای مدتی کوتاه آرامش و صفای طبیعت را آشفته می‌سازند، به این باور می‌رسید که نظم و قاعده‌ای که پدیدارهای طبیعی از آن تبعیت می‌کنند بی‌گمان قانونی دلبخواه است که عامل غالب به عوامل مغلوب تحمیل کرده است. انسان ابتدایی از این مشاهدات چنین نتیجه می‌گرفت که این حالت ممکن نیست از آغاز موجود بوده باشد بلکه نیروهای عظیم طبیعی که دشمنان حیات انسان‌اند لابد زمانی به خودسری ابراز وجود می‌کرده‌اند؛ و رام‌کنندهٔ آن‌ها موجودی قوی‌تر از آن‌ها بوده است که نخست با آن‌ها جنگیده و سرانجام به خشم ویرانگر آن‌ها لگام زده است.» (گمپرتس، ۱۳۷۵، ۱۰۸).

در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی «آنچه خیالی و غیرواقعی

است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته است! اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی «مینوی» دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی به صورت فراسویی است که دست‌کم بخشی از آن، از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. در اسطوره، وقایع از دوران اولیه نقل می‌شود. به عبارت دیگر، سخن از این است که: چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد؟ شخصیت‌های اسطوره را جانوران ماوراء طبیعی تشکیل می‌دهند، که همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمانان مثبت آن را فراگرفته است.

حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود مانند داستان واقعی تلقی می‌شود؛ زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاهی به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه که در این روایت‌ها مهم است صحت تاریخی آن‌ها نیست؛ بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها در بردارد. اسطوره از این جهت نیز که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویش‌شن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند دارای اهمیت است (آموزگار، ۱۳۷۴؛ ۳).

بنابراین میتولوژی^۱ یا «دانش اساطیر الاولین» اسراری است درباره پیدایش و آفرینش جهان و داستان‌های ایزدان و پهلوانان و نیز نشانه‌هایی ویژه از نژادها و ملت‌ها به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی رموز و نشانه‌های باستانی هر قوم و ملتی را اسطوره آن قوم و ملت می‌نامند (محمودی بختیاری، ۱۳۶۸، ۹۹-۱۰۰).

از نظر ژاله آموزگار: «اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیرمترقبه است. قدرت تخیل، نهایت فعالیت خود را در این زمینه انجام می‌دهد. گاهی از شخصیتی تاریخی یا قهرمانی معمولی، موجودی اسطوره‌ای شکل می‌گیرد؛ به این صورت که تمام ویژگی‌های یک موجود خارق‌العاده را به او نسبت می‌دهند و به تدریج با این ویژگی‌ها، قهرمان از صورت موجود بشری عادی خارج می‌شود.

از سوی دیگر، اسطوره تجسم احساسات آدمیان به گونه‌ای ناخودآگاه است که برای تقلیل گرفتاری‌ها یا اعتراض به اموری که برای ایشان نامطلوب و غیرعادلانه است؛ با تکرار کردن آن، آرامشی به آن‌ها دست می‌دهد. تکرار این داستان‌ها که در

قالب نوعی مراسم آیینی برگزار می‌شود به آن‌ها حقانیت و واقعیت می‌بخشد. اسطوره همچنین نشانه‌ای از عدم آگاهی بشر از علل واقعی حوادث است که انسان به پیروی از تخیل خود برای رویدادها، علت و انگیزه می‌تراشد و به این ترتیب، تخیل را با واقعیت‌ها پیوند می‌دهد» (آموزگار، ۱۳۷۴؛ ۳-۵).

علمای قرن نوزدهم، اسطوره را به معنای معمول کلمه، یعنی به مفهوم فابل^۱ قصه‌ای که به زبان حیوانات نقل می‌شود و اعمال و احساسات انسان را به حیوانات نسبت می‌دهد و اغلب جنبه تمثیلی دارد و بر مفاهیم معنوی و اخلاقی تأکید می‌ورزد (واحد دوست، ۱۳۸۱، ۲۱).

ولی دانشمندان غربی طی پنجاه سال گذشته به نظرگاه دیگری غیر از برداشت پیشینیان خویش که در قرن نوزدهم هم مطرح بوده توجه کرده‌اند. اگر در قرن نوزدهم اسطوره با حکایت اخلاقی و ابتکار و آثار تخیلی برابر بود، اندیشمندان کنونی آن‌گونه که جوامع قدیمی اسطوره را درک می‌کردند، درک می‌کنند یعنی به معنای داستان واقعی حتی فراتر از آن، داستانی که ارزشمندترین دارایی است که به دلیل آنکه مقدس، نمونه و پرمعنی است و این ارزش معنایی جدید اسطوره استفاده از آن را در بیان معاصر پررمز و راز می‌سازد (واحد دوست، ۱۳۸۱، ۲۳).

۱-۲ زمان و مکان در اسطوره

در اسطوره زمان تاریخی نیست بلکه زمانی ازلی و ابدی در آن جریان دارد. درواقع، اسطوره بی‌زمان و بی‌مکان است. انسان با روایت اسطوره و اجرای آیین‌ها و مناسک، زمان گیتیانه را فراموش می‌کند تا به جهان مینوی بازگردد. مکان اساطیری نیز بنیادی ازلی دارد. معابد مینویی‌اند و تقدس دارند. مکان اساطیری ممکن است در آسمان، در نور، در خورشید، ماه، ستارگان یا در ژرفای دریا باشد که فضایی قدسی و مینوی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۲۳-۲۴).

انسان نخستین و باورمند اسطوره در زمان سرآغاز و ازلی سیر می‌کرد، آسمان را از زمین جدا نمی‌پنداشت و همه مظاهر طبیعت را یگانه می‌شمرد. او با نردبان یا به‌واسطه شاخسار درختی می‌توانست به آسمان و به بهشت دست یابد. زمان ازلی در اسطوره به‌گونه‌ای است که نوشدگی و تجدید حیات کیهان، انسان و همه جلوه‌ها و پدیده‌های

طبیعت را در پی دارد. چه، به واسطه این زمان ازلی و ابدی است که ابدیت مطلق و لحظه آفرینش را همواره به زمان حال درمی آورند و نوشدگی مفهومی عینی می یابد.

۱-۳ کارکرد اسطوره

کارکرد اسطوره را می توان از دوجنبه بررسی کرد: نخست کارکرد آن در میان پردازندگان اسطوره ها که با آن ها می زیستند و باور راستین آن ها بود. دوم کارکردی که اسطوره در دوره های پسین، جدا از نسل اساطیری پیدا کرد. اسطوره در عصر خود نه تنها برداشت انسان را درباره جهان پیرامون وی در برمی گرفت، بلکه نیازهای مادی و روانی او را هم پاسخ می داد (واحد دوست، ۱۳۸۱، ۵۷-۵۸).

مهم ترین کارکرد اسطوره به گمان الیاده، عبارت است از «کشف و آفتابی کردن سرشت های همه آیین ها و فعالیت های معنی دار آدمی، از تغذیه گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی».

فایده دیگر اسطوره، بهره گیری از آن در ادبیات و هنر است. اسطوره مانند شعر و هنر، مقدم بر آگاهی علمی است. به بیان دیگر می توان گفت که اسطوره پردازان نخستین درواقع آغازگر ادبیات و هنر بوده اند. (اسماعیل پور، ۱۳۷۷، ۶۰) بسیاری از آثار ادبی کلاسیک ریشه ای اساطیری دارند. آثاری که از مایه های اساطیری برخوردارند، تنها منحصر به آثار شعری و داستانی نیستند، بلکه در هنرهای دیگر نیز به ویژه در نقاشی، بسیاری از آثار، تجلی اسطوره ای دارند. نقاشی های غار آلتامیرا و غار لاسکو که مربوط به هفده هزار سال پیش است، نشان می دهد که انسان برای بیان اندیشه ها و عواطف خویش از اسطوره کمک گرفته است. پس اسطوره تنها جنبه روایی ندارد، بلکه نقاشی، تندیس گری، موسیقی و حتی مراسم آیینی سرخپوستان آمریکا نیز به نوعی جنبه اساطیری دارند (باستید، ۱۳۷۰؛ ۱۰).

انسان نخستین، به طور طبیعی نیازهای مصنوعی داشته که خود نتیجه هراس او از مجهولات بوده است. انسان نیاز داشت که طبیعت را بشناسد و رازهای آن را کشف کند. او به یاری اسطوره ها، معماهای جهان و طبیعت را برای خود به گونه ای نمادین و تمثیلی توجیه کرده است. این بیان تمثیلی و نمادین، ساختار اجتماعی قوم را آشکار می سازد؛ بنابراین، با تحلیل اسطوره ها می توان عقاید و ساختار طبقاتی اقوام باستانی را کشف و آفتابی کرد (اسماعیل پور، ۱۳۷۷؛ ۱۳-۱۷).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، اسطوره نه یک روایت مقدس که مجموعه ذهنیت اجتماعی یک گروه اجتماعی است و نظام ارزش‌های پنهان در آن را در برمی‌گیرد و چنین است که اسطوره همیشه مربوط به گذشته نیست و در جامعه نو نیز پدیدار می‌شود و پیدایی چنین نمودی ارجاع به گذشته است.

از دیگر رازهای ماندگاری قصه‌های اساطیری که باعث می‌شود اسطوره‌ها کاربردی پُر دامنه و پُر شمار داشته باشند آن است که اسطوره از قدیم برای ملت‌ها کارکردی تعلیمی و تربیتی داشته است. «به‌نظر یونانیان یادآوری عمل و رفتار قهرمانان گذشته و بیان زندگانی حماسی آن‌ها می‌توانسته به نحوی اسباب تزکیه نفس و تربیت قهرمانان آتی را ممکن سازد و از این رهگذر قدرت مقابله جوانان را با سختی‌های احتمالی روزگار، تقویت کند. از این لحاظ این آثار در نزد یونانیان، در درجه اول یک جنبه آموزشی ملی داشته است و گفته افلاطون نیز در این مورد که هومر معلم اصلی یونانیان بوده، دلالت بر همین معنی دارد.» (مجتهدی، ۱۳۸۰، ۱۷).

از دیدگاه باجلان فرخی اسطوره انواع گوناگونی دارد از جمله: /اسطوره آیینی: اسطوره‌هایی که غالباً از کاخ‌ها و معابد شهرهای کهن گرفته‌شده و گویای راه و آیینی است که کاهنان معابد، کارگزار آن بودند و کارهای آیینی که توسط این کاهنان انجام می‌گرفت با کلام همراهی می‌شد و اسطوره سرگذشت این آیین‌ها و کارکرد آن در جامعه کهن بود و اسطوره آیین از کهن‌ترین اسطوره‌ها است. از نمونه‌های اسطوره آیینی در اساطیر بین‌النهرین اسطوره انوما الیش، جشن آیین سال نو بابل را می‌توان دید.

اسطوره‌های خاستگاهی. اسطوره‌های خاستگاهی یا علت شناختی از شکل‌های دیگر اسطوره و کارکرد آن بیان خاستگاه یا علت هر چیزی است. مثلاً در اساطیر چین، پان گو (نخستین انسان) مردان و زنان را از گل پیمانه می‌زند و عنصر یانگ و یین را در آنان می‌دمد.

اسطوره کیش. اسطوره کیش غالباً توصیف‌کننده شرایط و حالت ویژه‌ای است و کارکرد آن در جهت تداوم آن شرایط و حالت قرار می‌گیرد. در کیش کشاورزی و اسطوره‌های معطوف به چرخه کشاورزی در خاور نزدیک الهه ایشتار اشاراتی است به رشد و پژمردن گیاهان و توجه به ماجرای مرگ و زندگی. خدا بانوی حاصلخیزی و سومری اینانا و ایشتار خدایانوی سامی به جستجوی دموزی یا تموز به جهان زیرین می‌رود.

اسطوره اعتبار و شخصیت. کارکرد این گونه اسطوره‌ها ایجاد اعتبار و شخصیت برای قهرمانان و مکان‌ها است. تولد رمولوس و رموس، تولد گیل گمش، تولد رستم و هراکلس در شمار این نوع اساطیر قرار می‌گیرند.

اسطوره فرجام. این گونه از روایت‌های اسطوره‌ای با اوضاع و احوال جهان پس از مرگ و فرجام کار جهان پیوند دارد. این اساطیر اغلب سرچشمه مرگ را مطرح می‌کنند. همچنین برخی از اسطوره‌های فرجام درباره رستگاری و نجات بخشی انسان و جهان است که نشان‌دهنده امید به پیروزی نیروهای خیر در اساطیر ملل است. (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷، ۶۶-۶۷) همانند اسطوره طوفان که در فرهنگ اسلامی همسان دیگر فرهنگ‌ها از قدیم در تداول بوده است، چنانکه در سوره‌هایی از کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، نیز به این امر آشکارا اشاره می‌شود. براساس آنچه در این زمینه در قرآن کریم آمده است، نوح (ع) به پیامبری مبعوث می‌شود و مسئولیت می‌یابد که قوم خود را به عبادت خداوند دعوت کند. اما به رقم همه تلاش‌های نوح، قوم او از دعوت سرباز می‌زدند. نوح (ع) به درگاه خداوند طلب یاری می‌کند و خداوند طوفانی برای مجازات مردم نازل می‌کند و نوح مأمریت می‌یابد برای مؤمنان کشتی بسازد و از هر موجود زنده‌ای یک جفت برگزیند و در کشتی جای دهد (گزگین، ۱۳۹۵، ۲۹۲). پس از طوفان نوح و همراهانش به لطف خداوند نجات‌یافته و دنیایی نو سامان می‌دهند.

پیش از قضاوت در باب اساطیر (و یا دین) هر قومی، نخست باید تا آنجا که ممکن است، اطلاعاتی در باب حیات و معیشت مادی آن قوم گردآورد و نیز آگاهی‌های جغرافیایی مربوط به آن‌ها کسب کرد.

هدف تلاشگران در اسطوره‌شناسی آن است که نمادها و نشانه‌های رازگونه که زبان اسطوره را می‌سازند، بکاوند و باورها و اندیشه‌های نهفته در آن‌ها را بیرون کشیده، بررسی کنند. بدین‌سان اسطوره‌شناسی در کنار دو دانش دیرینه باستان‌شناسی و زبان‌شناختی تاریخی، دانشی است که به یاری آن می‌توان پاره‌هایی از فرهنگ ناشناخته و گمشده آدمی را در روزگاران گذشته بازیافت.

خلاصه فصل اول

واژه اسطوره در دیدگاه‌های گوناگون، از تعاریف و تعبیر متعددی برخوردار است. اسطوره